خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۶. ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۳۹. شماره ۱۹۷۸۱

احمد قوام السلطنه
(۱۳۳۴-۱۲۵۲ هـ.ش)

سیاستمدار و نخست‌وزیر دوره قاجار و پهلوی بود. او در دوران نخست‌وزیری خود، سرپرستی هیئت مذاکره کننده با شوروی را برای خروج نیروهای این کشور از آذربایجان برعهده گرفت. قوام، بعدها، در جریان ملی شدن صنعت نفت، کوشید با اتخاذ سیاست خفقان و سرکوب، مردم را از خواستشان منصرف کند؛ اما قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، به حکومت و حیات سیاسی وی خاتمه داد.

تاریخ معاصر

●●●

داستان «مدیر مدرسه» از فرنگی مآبی تا ناکارآمدی

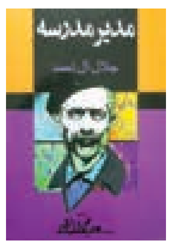

بی تردید باید جلال آل احمد را جزو جریان تاثیر گذار روشنفکری در تاریخ ایران محسوب کرد. روشنفکری در تاریخ ایران، از زمان مشروطیت به بعد، نضج گرفت و بسط پیدا کرد؛ اما شاید بتوان ادعا کرد که با آل احمد، در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به اوج خود رسید. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ویژگی بارز آل احمد این است که می‌توان وی را روشنفکر مکتوب نیز نامید؛ زیرا صرفاً به فضای شفاهی اکتفا نکرد و حوزه‌های متعددی مانند ادبیات داستانی را هم، تجربه کرد. آثار آل احمد، طیف متعدد و متنوعی را شامل می‌شود، اما رگه فکری آل احمد در تمام آثارش نیز نمود پیدا کرده است. «دالّ محوری» در اندیشه و گفتمان آل احمد، مفهوم «غرب‌زدگی» است؛ در واقع، نماد بارز اندیشه اجتماعی آل احمد، مفهوم غرب‌زدگی است. در میان آثار داستانی آل احمد نیز، «مدیر مدرسه» قطعاً دارای جایگاهی ویژه است. در خلاصه داستان مدیر مدرسه باید گفت که «معلمی پس از سال‌ها تدریس، دچار دلزدگی می‌شود و دیگر نمی‌خواهد معلم باشد و دوست دارد عرصه‌ای دیگر در آموزش و پرورش را تجربه کند، وی هوس می‌کند مدیر مدرسه باشد و در این مسیر، حاضر است هر زد و بندی را نیز صورت دهد تا عرصه مدیریت مدرسه را تجربه کند و در نهایت، این چنین نیز می‌شود و وی با پرداخت ۱۵۰ تومان، سمت مدیریت مدرسه را به دست می‌آورد و همین آغاز دردسرهای وی است.» مدیر مدرسه، در نگاه نخست، داستانی سرراست و شفاف دارد و البته این گونه نیز هست، زیرا سبک روایی داستان، بسیار شیوا و ساده است؛ اما در دل آن، مفاهیم عمیق‌تری مستتر است که ریشه در نگاه تئوریک آل احمد به مسئله آسیب‌شناسی غرب‌زدگی، علل و عوامل آن و راهکارهای برون رفت از این مسئله دارد. نخستین جرقه غرب‌زدگی در مدیر مدرسه، از همان ابتدای داستان کلید می‌خورد؛ فردی که جلال وی را فرهنگ‌دوستی خرپول معرفی می‌کند، عمارت مدرسه را در وسط زمین‌های خودش ساخته است تا از این طریق، مردم پس از مدتی دلشان به حال رفت و آمد طولانی مدت فرزندانشان بسوزد و بیایند زمین‌های اطراف مدرسه را بخرند و در آن ساکن شوند تا از این طریق، به قول آل احمد، «زمین یارو از متری یک عباسی بشود صد تومان.» نقطه ثقل آل احمد درباره مفهوم غرب‌زدگی در داستان مدیر مدرسه، در وضعیت معلمان تبلور پیدا می‌کند؛ آل احمد معتقد است انسان غرب‌زده، انسانی است که از گذشته خود بریده است و هیچ درکی نیز از آینده ندارد و این توصیفی است که درباره معلمان داستان مدیر مدرسه کاربست پیدا می‌کند.

به مناسبت سالروز درگذشت آیت ا... کاشانی، پیشوای نهضت ملی شدن صنعت نفت

بارِ خاطر بریتانیا، یارِ شاطر مردم و مصدق

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های دینی و سیاسی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. بی‌تردید، این عالم شجاع، خوش‌فکر و صریح‌اللهجه، نقشی بی‌بدیل در یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران، یعنی نهضت ملی شدن صنعت نفت داشته است. با وجود شبهاتی که گاه از سوی برخی نویسندگان درباره نقش و جایگاه آیت‌ا... کاشانی در این واقعه تاریخی مطرح می‌شود و تلاش‌هایی که برای انکار تلاش‌های وی در این زمینه صورت می‌گیرد، هرگز نمی‌توان منکر نقش محوری او در نهضت شد. واقعیت آن است که دکتر مصدق و دیگر دست‌اندرکاران امور اجرایی نهضت ملی شدن صنعت نفت، بدون حمایت‌های بی‌دریغ آیت‌ا... کاشانی و حضور مداوم او در صحنه، بخش عظیمی از نیروهای حامی خود را که از طبقات فرودست و مذهبی جامعه تشکیل می‌شدند، در اختیار نداشتند. حتی هنگامی که میان سران نهضت درگیری ایجاد شد و در پی آن، دوستان دکتر مصدق، یک به یک او را ترک گفتند، آیت‌ا... کاشانی تنها کسی بود که با وجود همه کدورت‌ها و نارضایتی‌ها از عملکرد دکتر مصدق و صرفاً برای حفظ دستاوردهای نهضتی که با تلاش‌های شبانه‌روزی ملت به نتیجه رسیده بود، نخست‌وزیر را از قطعی بودن کودتا آگاه کرد. آیت‌ا... کاشانی، تا چند سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زیست؛ او در ۲۳ اسفندماه سال ۱۳۴۰، در گوشه‌نشینی و عزلت، بدرود حیات گفت.

■ روح بزرگ و جهادگر

آیت‌ا... سیدابوالقاسم کاشانی، در سال ۱۲۶۴ هـ.ش، ۱۹ سال پیش از پیروزی انقلاب مشروطه و ۹۳ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در شهر تهران متولد شد؛ ۱۶ ساله بود که همراه پدرش، آیت‌ا... سیدحسین کاشانی که از مراجع آن دوره محسوب می‌شد، به عتبات سفر کرد و در نجف اشرف، رحل اقامت افکند و از درس بزرگانی همچون آخوند خراسانی بهره برد. آیت‌ا... کاشانی در ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسید؛ اما این افتخار، تنها وجه شخصیت او نبود؛ آیت‌ا... کاشانی در زمره علمایی قرار داشت که جهاد علیه استعمار و تلاش در زمینه بیرون راندن اجانب از ممالک اسلامی را، وظیفه‌ای شرعی می‌دانست که تعطیل بردار نیست. دوران حضور وی در عراق با اضمحلال امپراتوری عثمانی و قیمومت انگلیس بر این کشور، مصادف شد. آیت‌ا... کاشانی در قیام ۱۹۱۴ و ۱۹۱۷ عراق که در پی تصرف بصره و مناطق جنوبی عراق توسط نیروهای انگلیسی آغاز شد، حضوری فعال و مؤثر داشت. نکته جالب توجه این جاست که او، فقط به صدور فتوا و حمایت مادی و معنوی از قیام بسنده نکرد؛ بلکه سلاح به کف گرفت و رودررو با استعمارگران انگلیسی، به نبرد پرداخت. هرچند این قیام گسترده، به دلیل ضعف نظامی راه به جایی نبرد، اما برگی زرین در تاریخ مبارزات ضداستعماری ملت‌های مسلمان را رقم زد. آیت‌ا... کاشانی، پس از پایان یافتن این قیام نافرجام، تحت تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت و به ناچار به ایران بازگشت.

■ آیت‌ا... کاشانی و مسائل ایران

برخلاف تصور برخی مورخان، ارتباط آیت‌ا... کاشانی با مسائل ایران، به دوران ملی شدن صنعت نفت و حتی دوره پهلوی اول و وقایع مربوط به کشف حجاب، محدود نمی‌شود. او از دوران مشروطیت و هنگامی که در سنین جوانی به سر می‌برد، به عنوان شاگرد باهوش و خوش‌قریحه آخوند خراسانی، سمت مشاور وی را برعهده داشت. روایت‌ها و اسنادی در دست است که نشان می‌دهد آیت‌ا... کاشانی، در آن دوران، در نوشتن برخی اعلامیه‌ها و ارائه پیشنهادهای مؤثر به آخوند خراسانی، نقشی مهم و محوری داشته است. او پس از ورود به ایران، بعد از قیام نافرجام عراق، مورد توجه عموم مردم تهران قرار گرفت و با وجود محدودیت‌های شدیدی که پهلوی اول برای روحانیان ایجاد کرده بود، توانست اقداماتی را در زمینه حفظ فرهنگ و شعائر اسلامی انجام دهد. قضیه مخالفت صریح آیت‌ا... کاشانی با کشف حجاب و پاسخ تُندوی به مأموران رضاخان، شهرت فراوانی دارد. با فرار شاه در شهریور ۱۳۲۰ و به وجود آمدن جو مساعد برای شروع فعالیت‌های تبلیغی، آیت‌ا... کاشانی وارد میدان شد و با این که از سوی نیروهای انگلیسی تحت تعقیب بود و در نهایت بازداشت شد، مردم تهران او را به عنوان نماینده خود در مجلس شورای ملی برگزیدند. این واقعه، فصل جدیدی از فعالیت‌های سیاسی آیت‌ا... کاشانی را رقم زد.

■ قطع دست استعمار

اواخر دهه ۱۳۲۰، هنگامی که جامعه در تب و تاب فعالیت‌های سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف گرفتار بود، پیشنهاد مهمی در مجلس شورای ملی مطرح شد: ملی شدن صنعت نفت. آیت‌ا... کاشانی یکی از پشتیبانان اصلی این طرح بود؛ طرحی که می‌توانست به قطع دست انگلیسی‌ها از سرمایه خدادادِ مردم مسلمان ایران بینجامد. او وظیفه مطرح کردن این مسئله در جامعه و آگاه کردن مردم از آن را برعهده گرفت. واقعیت آن بود که با وجود فعالیت احزاب و گروه‌های مختلف در جامعه، هیچ شخصیتی به اندازه آیت‌ا... کاشانی که دارای اعتبار دینی و سیاسی در جامعه بود، نمی‌توانست مردم را برای اجرای این طرح با دولت و مجلس، همگام و همراه کند. از آن زمان بود که اعلامیه‌های او، فضای جامعه را پرنشاط کرد و دولتمردان توانستند در پرتو این نشاط، دست به اقداماتی مؤثر برای ملی کردن صنعت نفت بزنند.

■ مقدمه یک قیام تاریخی

اما هنوز اتفاقات مهمی پیش رو بود. روز ۲۵ تیرماه سال ۱۳۳۱، دکتر مصدق پس از سه ساعت مذاکره با شاه، استعفا کرد. علت این اقدام، مخالفت شاه با تصدی وزارت جنگ توسط وی بود. مصدق در متن استعفای خود نوشت: «با وضع فعلی، ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است، پیروزمندانه خاتمه دهد.» او برای استعفا با هیچ کدام از سران نهضت مشورت نکرده بود. پس از استعفای دکتر مصدق، تلاش مخالفان نهضت ملی شدن صنعت نفت و نیز دربار، برای کسب دوباره قدرت، شدت یافت. «اشرف پهلوی»، خواهر شاه، که ظاهراً خارج از کشور بود، خود را به تهران رساند و با احمد قوام برای تصدی پست نخست‌وزیری، وارد مذاکره شد. استعفای بدون اطلاع دکتر مصدق، نمایندگان فراکسیون نهضت ملی مجلس را هم با تردید برای ادامه کار روبه‌رو کرد. عجله برخی نمایندگان وابسته به دربار برای معرفی نخست‌وزیر جدید به قدری بود که روز ۲۶ تیرماه، در حالی که تعداد نمایندگان حاضر به حد نصاب نرسیده و جلسه رسمیت پیدا نکرده بود، اقدام به رأی‌گیری و با ۴۰ رأی موافق، به نخست‌وزیری احمد قوام، ابراز تمایل کردند. شاه نیز بر اساس همین رأی تمایل، فوراً، فرمان نخست‌وزیری قوام را صادر کرد. به این ترتیب، روز ۲۷ تیرماه سال ۱۳۳۱، احمد قوام به نخست‌وزیری رسید. او بلافاصله پس از رسیدن به نخست‌وزیری، اعلامیه شدیداللحنی با عنوان «کشتیبان را سیاستی دیگر آمد و سیاست از دین، بعد از این، جدا خواهد بود» صادر کرد.

■ آوردگاه ۳۰ تیر

آیت‌ا... کاشانی مردم را به قیام فراخواند. قوام ابتدا سعی کرد با آیت‌ا... کاشانی به توافق برسد؛ حتی پیشنهاد کرد که ۶ نفر از وزرای کابینه، توسط وی انتخاب شوند؛ اما او حاضر به پذیرش نخست‌وزیر بودن قوام نشد. روز ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱، آیت‌ا... کاشانی طی مصاحبه‌ای با خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی گفت: «تا خون در شاهرگ من و این ملت است، زیر بار این نمی‌روم که قوام بر ما حکومت کند. ما یک خوشحالی داریم که صنعت نفت ملی شده و بالاتر از آن بیداری و شهامت ملت است که از جان خود در راه وطن و استقلال مضایقه نمی‌کنند.» او با اشاره به اعلامیه شدیداللحن قوام، تأکید کرد: «آقای قوام لیاقت و استعداد نخست‌وزیری را ندارد. یک مشت جنایتکار، دزد و خائن می‌خواهند او را وسیله‌ای برای چپاول و غارت و برای مسلط کردن مستعمرین انگلیسی قرار بدهند.» آیت‌ا... کاشانی، با ارسال نامه‌ای به «حسین علاء»، وزیر دربار، نوشت: «اگر در بازگشت دولت مصدق، تا فردا، اقدام نکنید، دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد.» زمانی که خبر واکنش «آیت‌ا... کاشانی» به گوش مردم رسید، موج اعتراض سراسر کشور را فرا گرفت. به این ترتیب، قیام سرنوشت‌ساز ۳۰ تیر، باعث سقوط دولت قوام و نخست‌وزیری دوباره دکتر مصدق شد.

گزارش تاریخی

●●●

نسلی جدید برای سقوط!

با برکناری اسدا... علم از نخست‌وزیری، نسل جدیدی از سیاستمداران، قدرت و مسئولیت کشور را به دست گرفتند. درواقع، به‌صورت دقیق‌تر، این گروه از نخبگان سیاسی جدید، با روی کار آمدن دولت حسنعلی منصور در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲، توانستند به قدرت دست یابند و مسئول تغییرات گسترده مد نظر شاه و آمریکا در عرصه مدیریتی کشور شوند. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شیوه حکومت‌داری این نسل در طول تاریخ، به گونه‌ای بود که به‌عنوان نماد یک جریان طرفدار شیوه زندگی و نوسازی غربی شناخته شد. وزیران، تا نخست‌وزیری اسدا... علم، از گروه تحصیل‌کردگان سنتی انتخاب می‌شدند و قدرت، همواره در دست این گروه، با منشأ اجتماعی زمین‌داری، قرار داشت؛ ولی از اوایل دهه ۱۳۴۰، با روی کار آمدن کابینه منصور، شاهد به قدرت رسیدن تکنوکرات‌ها در دستگاه حکومتی هستیم. به گونه‌ای که این نسل جدید از سیاستمداران که با دولت حسنعلی منصور روی کار آمدند، هم از جنبه ترکیب طبقاتی و تعلقات سیاسی و هم از لحاظ میزان تحصیلات دانشگاهی، با اعضای قبلی کابینه‌های رژیم پهلوی فرق اساسی داشتند. برای نمونه، میانگین سنی اعضای کابینه منصور، حدود ۴۶ سال یعنی تقریباً هفت سال جوان‌تر از اعضای کابینه‌های قبلی بود. افزون بر این، منصور و کابینه او، به شدت هوادار آمریکایی‌ها بودند. این دیدگاه سبب افزایش واردات کالاهای آمریکایی و به‌ویژه، باعث خرید تسلیحات نظامی از آمریکا و وابستگی فزاینده تجاری و نظامی ایران به این کشور شد و روزبه‌روز بر میزان حضور مستشاران آمریکایی در ایران افزود. نسل جدید سیاستمداران رژیم پهلوی، به دلیل تحت تأثیر غرب بودن، بلافاصله با روی کار آمدن دولت حسنعلی منصور، در سال ۱۳۴۲، سعی کردند تا نظام سیاسی ایران را، به تقلید از غرب، حزبی کنند و بر همین اساس، یک حزب دولتی به نام «حزب ایران نوین» ایجاد کردند؛ حزبی صد در صد دولتی که تمام وزیران و مقامات اداری، وابسته به آن حزب بودند. شعب حزب دولتی ایران، به‌تدریج در نقاط مختلف کشور افتتاح شد. اما، جایگاه حزب در بین توده‌های مردم، بسیار ضعیف بود. حسین فردوست گزارش می‌دهد که اواخر تیرماه سال ۱۳۴۳، با این که کلیه مدیران ارشد دولتی و بسیاری از کارمندان، به عضویت حزب ایران درآمده بودند، حزب در تهران تنها حدود هزار طرفدار داشت. این موضوع باعث ایجاد دلسردی فراوان بین افرادی شد که انتظار داشتند با آمدن دولت منصور و طبقه نخبه سیاسی جدید و تحصیل کرده، بسیاری از مشکلات آن‌ها حل شود و شرایط تغییر کند.

توکهمیتونیبخونیخبخونجیمو...

شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۷۰۶

بدینوسیله پیرو آگهی های قبلی به آقای هادی زوار فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود در مورد دادخواست آقای شرکت سلامت آریان پخش علیه شما به خواسته مطالبه وجه به موجب رای شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۰۶۹۰۱۲۲۲ مورخه ۱۳۹۶/۱۲/۶ در پرونده کلاسه ۹۶۰۷۰۶ به ۱: ۱- مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته ۲- مبلغ ۵۵۰/۰۰۰ ریال هزینه دادرسی الصاق تمبر و مبلغ ۴۵۰/۰۰۰ ریال هزینه درج آگهی در روزنامه ۳- خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید ۹۶/۸/۱۳ تا یوم الاداء که برمبنای نرخ تورم بانک مرکزی محاسبه خواهد شد و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه در حق خواهان محکوم شده اید مراتب بدینوسیله در روزنامه درج می گردد رای صادره غیابی و از تاریخ درج در روزنامه ظرف بیست روز پس از درج آگهی قابل واخواهی در همین شعبه است. م الف ۶۴۵۷۶ - مسئول دفتر شعبه ۱۸۹ شوراهای حل اختلاف مجتمع شماره ۴ مشهد
/۹۶۴۲۵۳۰۴۷